



INVESTIGATING THE FACTORS OF IMPROVING THE EDUCATIONAL LEVEL OF QURAN TEACHERS*

Ali Asghar Shoaie¹

Mehdi Ghasempour²

Abstract

The Holy Quran is the eternal heritage of the Holy Prophet of Islam (PBUH), the beacon of the path of truth seekers and of the path of knowledge and perfection. There are many emphases in the teachings and religious commands regarding the teaching and learning of this heavenly book; but with all the activities carried out, it is sometimes observed that the teachers of the Holy Quran do not have the appropriate level of education due to shortcomings.

In this research, entitled "Study of the factors for improving the educational level of Holy Quran teachers with emphasis on Islamic teachings" which has been done in a descriptive-analytical manner, an attempt has been made to spread the culture of familiarity with the Holy Quran and also increase the quality level of Holy Quran teachers.

Among the results of this research is explaining the position of Holy Quran teachers in the verses of the Holy Quran and the narrations of the Infallibles (AS) and also expressing the effective factors in improving the educational level of Holy Quran teachers. According to Islamic teachings, in the structural and managerial part of the Qur'an teachers, such as selection and evaluation and motivational factors, in the part of individual characteristics, such as practicing the Qur'an and being a model for learners and sincerity, and also in the part of teachers' educational characteristics, issues such as familiarity with the principles and prerequisites of teaching the Qur'an could be mentioned.

Keywords: Quran Teaching, Educational Level, Education Promotion, Teacher, Quran Teacher.

*. **Date of receiving:** 27 April 2020, **Date of approval:** 30 December 2020 .

1. Assistant Professor of University of Holy Quran Sciences & Education, Qom (Corresponding Author): shoaei114@gmail.com .

2. PhD student of Islamic Azad University, Qom: mahdiqhasempour@gmail.com .



بررسی عوامل ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن*

علی اصغر شعاعی^۱ و مهدی قاسم پور^۲

چکیده

قرآن کریم میراث جاودان رسول گرامی اسلام ﷺ، چراغ راه حق طلبان و پویندگان مسیر دانش و کمال است. در آموزه‌ها و فرامین دینی نسبت به آموزش و تعلیم این کتاب آسمانی، تأکیدات فراوانی وارد شده است؛ اما با همه فعالیت‌های انجام گرفته، گاهی مشاهده می‌شود که معلمان قرآن کریم به علت وجود آسیب‌هایی، از سطح آموزشی مناسب برخوردار نیستند. در این پژوهش با عنوان «بررسی عوامل ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن کریم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی» که به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است، تلاش شده است تا گامی جهت گسترش فرهنگ انس با قرآن کریم و هم‌چنین افزایش سطح کیفی معلمان قرآن کریم برداشته شود (ر.ک: کوکبی طاهر، پارچه‌باف، دولتی نقش آموزش و فهم آیات بر انس با قرآن، دوره ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۷). ازجمله نتایج این تحقیق، تبیین جایگاه معلمان قرآن کریم در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و نیز بیان عوامل مؤثر در ارتقاء سطح آموزشی معلمان قرآن کریم است که با توجه به آموزه‌های اسلامی می‌توان در بخش ساختاری و مدیریتی معلمان قرآن به مواردی از قبیل گزینش و ارزیابی و عوامل انگیزشی، در بخش ویژگی‌های فردی به مواردی ازجمله عمل به قرآن و الگو بودن برای متعلمین و اخلاص و نیز در بخش ویژگی‌های آموزشی معلمان، به مواردی همچون آشنایی با اصول و پیش‌نیازهای تدریس قرآن اشاره نمود.

کلمات کلیدی: آموزش قرآن، سطح آموزشی، ارتقای آموزش، معلم، معلم قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول): shoaiei114@gmail.com.

۲. دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم: mahdihqasempour@gmail.com.



مقدمه

در آموزه‌های دینی برای یادگیری و تعلیم اهمیت زیادی قائل شده است (زمر / ۹) و هر دانشی که برای بشریت سودمند باشد، از نظر اسلام، یادگیری‌اش شایسته و حتی در برخی موارد واجب هم می‌شود. چنان‌که امام صادق علیه السلام علم جویی را واجب می‌داند (کلینی، الکافی، ۱۳۸۵: ۱/۲۳۷). از آنجاکه قرآن کریم، معجزه پیامبر اسلام و منشأ هدایت و سرچشمه فیض الهی است، آموزش آن و به تبع آن، بحث معلمین قرآن کریم در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. آموزش قرآن، امری عام است و شامل روخوانی، تجوید، ترجمه و مفاهیم، تفسیر و سایر مباحث مرتبط با خواندن و فهم قرآن است. بااینکه پژوهش‌ها در موضوع آموزش قرآن از سابقه چندانی برخوردار نیست، بااین وجود در قرآن کریم و روایات، به مسئله آموزش قرآن و بسیاری دیگر از موارد مرتبط با آن اشاره شده است که این خود می‌تواند به عنوان بهترین منبع، جهت تحقیق در این موضوع به کار گرفته شود. در این تحقیق سعی شده تا پس از تبیین جایگاه آموزش قرآن از منظر آموزه‌های دینی، راهکارهایی جهت ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن کریم در سه محور اصلی ویژگی‌های ساختاری و مدیریتی، ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های آموزشی ارائه شود.

۱. جایگاه آموزش قرآن از منظر آیات و روایات

در آیات فراوانی از قرآن کریم، به موضوع آموزش قرآن کریم اشاره شده است (می‌توان به عنوان نمونه آیات سوره‌های بقره / ۱۲۹؛ آل عمران / ۱۶۴؛ نجم / ۵؛ الرحمن / ۲-۱؛ جمعه / ۲ را بیان کرد). آموزش قرآن از چنان مرتبه والایی برخوردار است که خدای متعال در سوره الرحمن، خود را اولین معلم قرآن معرفی می‌کند: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن / ۱-۴)؛ از این رو قرآن کریم، اولین و ارزشمندترین نعمت الهی است؛ چراکه انسان، در صورت استفاده از تعالیم الهی و دریافت معارف قرآن است که می‌تواند به کمال غایی و مطلوب خویش دست یابد و تا قرآن نباشد، کسی به مقام والای انسانی خود دست نمی‌یابد. از سوی دیگر از خطرترین مسئولیت‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تلاوت و تعلیم قرآن به مردم است ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه / ۲). آنجا که بحث آموزش قرآن است، بر آفرینش انسان مقدم شده است. ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ (الرحمن / ۲-۳)؛ اما در جایی که بحث از آموزش علوم دیگر است، آفرینش انسان مقدم شده است (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۹۳: ۲۳).



هم‌چنین با بررسی و غور در احادیث پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌توان به بسیاری از مطالب درباره تعلیم و تعلم قرآن و فضیلت آن دست یافت (ر.ک: شهیدی‌پور، رضوی، تحلیل روش‌های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل‌البیت علیهم‌السلام، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸). در اهمیت آموزش قرآن کریم همین بس که امام صادق علیهم‌السلام می‌فرماید: «يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ - أَوْ أَنْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ» (کلینی، الکافی، ۱۳۸۵: ۱/ ۴۴۴)؛ سزاوار است که مؤمن نمیرد، مگر آن‌که یا در حال یادگیری و یا در حال یاددادن آن باشد. و پیامبر خدا ﷺ بهترین فرد را کسی می‌داند که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد، آنجا که می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۳). از دیدگاه علی علیهم‌السلام، قرآن بهار دل‌ها و سودمندترین چیز برای انسان است، آنجا که می‌فرماید: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ» (شریف رضی، نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۱۱۰).

ثواب آموزش قرآن کریم به حدی است که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌فرماید: هر که به فرزندش قرآن بیاموزد، خدای متعال در قیامت، پدر و مادر او را به تاج پادشاهی تاجدار آراسته می‌کند و بر ایشان، لباسی می‌پوشاند که هیچ‌کس مانند آن‌ها را ندیده است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق: ۱۶۸/۶)؛ و در روایت دیگر، ذکر بسم الله الرحمن الرحيم و تکرار آن توسط کودک، باعث برائت کودک و پدر و مادر و معلمش از آتش می‌شود. و نیز می‌فرماید، کسی که آیه‌ای از قرآن را به دیگری یاد بدهد، اجر تلاوت آن (آیه) برای او (نیز) است، مادامی که تلاوت شود (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۴/ ۲۳۵) جایگاه مقام معلم و متعلم قرآن تا بدان جاست که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: برای معلم قرآن، تمام موجودات، حتی ماهیان دریا، طلب آموزش می‌کند (همان: ۴/ ۲۳۵). این احادیث تنها جلوه‌ای اندک از سخنان گهربار پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام در مورد آموزش قرآن کریم است که بدان اشاره گردید.

۲. راهکارهای ارتقاء سطح آموزشی معلمان قرآن با توجه بر آموزه‌های دینی

تعلیم و تربیت در اسلام منزلت والایی داشته و به‌جرئت می‌توان گفت که اسلام از این نظر در میان سایر ادیان از جایگاه بی‌بدیلی برخوردار است. در اولین آیاتی که بر قلب نورانی پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است، سخن از خواندن است (علق/۱)؛ و در جایی دیگر خداوند به قلم و نوشته، سوگند یاد می‌کند (قلم/۱).

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز به تبع قرآن، ارزش والایی را برای تعلیم و خواندن و نوشتن قائل شده‌اند، تا بدان جا که ایشان خود را معلم خوانده و فرمودند: «هَمانَا مِنْ مَعْلَمٍ مَبْعُوثٍ شَدِيدٍ» و قرآن نیز،



تعلیم و تربیت (جمعه/۲) را به عنوان مهم ترین هدف بعثت انبیاء و به ویژه پیامبر اسلام ﷺ بیان کرده و از ایشان به عنوان معلم یاد کرده و می فرماید: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران/۱۶۴)؛ «و کتاب و حکمت را به آنان می آموزد.»

در ادامه بر آنیم راهکارهایی را جهت ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن کریم در سه محور ویژگی های ساختاری و مدیریتی، ویژگی های فردی و ویژگی های آموزشی معلمان قرآن ارائه دهیم.

الف. توجه به ویژگی های ساختاری و مدیریتی

سطح مدیریتی در فرایند آموزش قرآن، نقش مهم و بسزایی را ایفا می کند که خود به جنبه های مختلفی بستگی دارد، از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

یک. گزینش و ارزیابی صحیح

با بررسی سیره پیامبر اسلام ﷺ مشخص می شود که ایشان نسبت به گزینش و تربیت معلمان قرآن اهتمام داشته و مردم را به افراد مورد وثوق خود ارجاع می دادند (معارف، گزارشی از آموزش قرآن در سیره پیامبر، ۱۳۸۰: ۴۹-۷۱)؛ بی شک بدون گزینش مناسب معلمان قرآن، انتظار سیر صعودی فرایند آموزش قرآن آرزویی دست نیافتنی است. از سوی دیگر بدون ارزیابی و نظارت مستمر بر فعالیت معلمان قرآن، دستیابی به فرایند مطلوب آموزش قرآن ناممکن است.

بر اساس شواهد تاریخی، پیامبر اکرم ﷺ شخصاً در مکان های آموزش قرآن حضور یافته و به رفع نواقص و کاستی ها می پرداختند و برای آنان دعا می فرمودند (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۶۲: ۲۲۷)؛ که این مطلب بیانگر اهمیت داشتن دانش و آگاهی لازم و مناسب از فرایند آموزش قرآن در بخش های مدیریتی و نظارتی است.

دو. استفاده بهینه از عوامل انگیزشی

استفاده از عوامل انگیزشی و حمایتی توسط مدیران قرآنی نسبت به معلمان قرآن، نقش تعیین کننده ای در بهبود و ارتقای سطح کیفی آموزشی معلمان قرآن ایفا می کند. بدیهی است که عدم حمایت از معلمان با علاقه و توانمند در آموزش قرآن، باعث دلسردی و بی رغبتی در کار و کاسته شدن کیفیت کار آن ها به مرور زمان می شود. دانشمندان انگیزه را به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می کنند. انگیزه درونی نقش مهم تر و عمیق تری را در یادگیری ایفا می کند؛ چراکه انگیزه درونی، عامل محرک آن درون خود فرد است، به نحوی که فرد از درون، نسبت به یادگیری علاقه پیدا کند و دیگر نیازی



به تشویق‌های بیرونی نباشد. این نوع انگیزه، ضامن پیشرفت مستمر فرد است؛ برخلاف انگیزه بیرونی که به محرک‌های بیرونی نیاز دارد (ریو، انگیزش و هیجان، ۱۳۷۶: ۱۰). پرواضح است، جهت ایجاد علاقه و اشتیاق جهت فراگیری و آموزش هر مطلبی، شناخت و تبیین آن موضوع و فهم جایگاه و اهمیت آن از نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری برخوردار است. آنجا که معلمان اهمیت و جایگاه قرآن را به‌خوبی درک نکنند و به‌تبع آن، قرآن به‌عنوان درسی فوق‌برنامه و جنبی لحاظ می‌شود. ازاین‌رو فراگیر، اشتیاق آموزش و انس با قرآن را از دست می‌دهد. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) در موارد متعددی به نقش انگیزه‌های درونی که شامل شناخت از کار و جایگاه خود به‌عنوان معلم قرآن است، اشاره دارد که به‌عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد:

احادیث، آگاهی به قرآن را ملاک برتری درجات مؤمنان در بهشت اعلام می‌کنند، در حدیثی از امام موسی کاظم (ع) آمده: «فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ أَقْرَأُ وَ أَزُقُ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۵: ۴/ ۶۱۱).

از سوی دیگر نمی‌توان نقش انگیزه‌های بیرونی را در کیفیت‌بخشی امر آموزش قرآن نادیده گرفت. با تأمل در سیره پیامبر اسلام (ص)، میزان توجه ایشان نسبت به ایجاد انگیزه و علاقه در میان معلمان قرآن، مشخص می‌گردد که به مواردی اشاره می‌گردد: در آغاز اسلام، سپردن کارهای مهم و حساس اجتماعی به افراد، منوط به آگاهی شخص از قرائت و حفظ قرآن بوده و رسول گرامی اسلام (ص) قاریان و حافظان را به مناصبی همچون فرماندهی و امامت جماعت می‌گماردند. در احادیث بیان شده است که پیامبر اسلام (ص) دستور دادند، هر مسلمانی که بیش از دیگران قرآن آموخته، جمع‌آوری و یا حفظ کرده است، بر دیگران حکم راند و بر مردگان نماز گزارد (مرتضی عاملی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ۱۳۷۴: ۶۴). پس از جنگ احد و در هنگام تدفین پیکر شهدا، شهیدی که بیش‌تر قرآن می‌دانست، مقدم بود و هم‌چنین قبر شهیدی که آیات بیش‌تری به‌خاطر سپرده بود، نزدیک‌تر به حمزه قرار می‌دادند (معارف، گزارشی از آموزش قرآن در سیره پیامبر، ۱۳۸۰: ۴۹-۷۱). سپردن سرپرستی گروهی از مسلمانان به یک جوان به جهت دانستن سوره بقره نیز از نکات قابل تأمل است.

سه. در نظر گرفتن نیازهای مادی و روزمره معلمان قرآن

بی‌شک از عوامل افزایش انگیزه در معلمان قرآن، تأمین نیازهای مادی و احتیاجات روزمره آن‌هاست. عدم توجه به این موضوع، ممکن است باعث صرف‌نظر یا بی‌انگیزگی برخی معلمان قرآن نسبت به تعلیم قرآن شود و خود آسیمی در امر آموزش قرآن کریم است. از سوی دیگر یکی از مباحث مرتبط با نیازهای مادی معلمان موضوع اجرت و حقوق آن‌هاست، روایات مربوطه را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:



روایاتی که مخالف دریافت اجر و مزد توسط معلم قرآن هستند که می توان عنوان نمونه به مورد ذیل اشاره نمود: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَخَذَ عَلَى تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ أَجْرًا كَانَ حَظَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق: ۱۷/۱۵۶).

گروه دوم روایاتی که دریافت اجر و مزد را توسط معلمین قرآن جایز شمرده اند: امام صادق علیه السلام در پاسخ به شبهه برخی مردم که درآمد معلم قرآن را حرام و پلید می دانستند، فرمود: «كَذَّبَ أَعدَاءُ اللَّهِ إِنَّمَا أَرَادُوا أَنْ لَا يَعْلَمُوا أَوْلَادَهُمُ الْقُرْآنَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ الْمُعَلِّمَ دِيَّةً وَلَدِهِ كَانَ لِلْمُعَلِّمِ مُبَاحًا» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۳۶۷: ۳/۱۶۳)؛ یعنی: دروغ می گویند دشمنان خدا. آنان به این طریق می خواهند تا کسی فرزندانشان را آموزش قرآن ندهد. اگر شخصی به معلم قرآن مبلغی معادل دیه و خون بهای فرزندش را بپردازد، برای معلم مباح و جایز خواهد بود.

پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نسبت به معاش و نیازهای مادی معلمان قرآن توجه خاصی را داشته اند، به گونه ای که سهمی از بیت المال مسلمانان به آنان اختصاص داشته است. در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: آن شخصی که اسلام را بپذیرد، مطیع و تسلیم دستورات بوده و قرآن را قرائت کند، هر سال دو یست دینار از بیت المال بهره مند می شود و اگر در دنیا به طور کامل به او داده نشود، روز قیامت (که نیاز بیش تری دارد) دریافت خواهد کرد.

در روایت دیگری از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که ایشان برای قاریان، دو هزار دو هزار از بیت المال اختصاص می دادند (متقی هندی، کنز العمال، ۱۳۶۴ ق: ۲/۲۳۹).

آیت الله جوادی آملی جهت رفع تعارض این دو گروه از روایات می گوید: «اشترای به معنای شراء و فروش است. کسی که جنسی را می فروشد، آن را از دست می دهد و چیز دیگری را فراهم می کند، ولی اگر کسی کالای معنوی را انفاق کرد نه تنها آن را رها نمی کند، بلکه ضمن اعطای آن به دیگری، مایه افزونی آن متاع غیبی خواهد شد. از آنجاکه آموختن قرآن و معارف آن برای مردم از نوع انفاق غیبی و اعطای معنوی است؛ لذا نه تنها اثر منفی فروش آیات را ندارد، بلکه اثر خاص و مثبت سخا و جود را به همراه دارد. اگر در برخی از روایات از دریافت اجرت در برابر تعلیم قرآن و مانند آن نهی شده چنین دستوری جنبه تکریم دارد، نه تحقیر و تحریم؛ زیرا در همان روایات آمده است که مخارج معلمان قرآن را از بیت المال تأمین کنید تا آنان همچون اجیر یا تاجر، کسب و کار دنیایی نداشته باشند (جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ۱۳۸۶: ۹۷/۴).

ب. توجه به ویژگی های فردی معلم قرآن

از آنجاکه قرآن کریم، کتابی ارجمند و بلندمرتبه است و تعلیم آن نیز از جایگاه والایی برخوردار است، از این رو معلم آن نیز می بایست ویژگی هایی در شأن این کتاب الهی داشته باشد. در ادامه بر اساس آموزه های دینی به برخی از این صفات و شاخصه های معلمان قرآن اشاره می کنیم:

یک. خودسازی

از آنجاکه قرآن کتاب خودسازی است، از این رو شایسته است، معلمش ابتدا خود را بسازد و میان گفتار و رفتار خود هماهنگی لازم را ایجاد نماید. معلم قرآن می بایست، با تدبیر و تفکر در وجود خویش و خودسازی روحی و اخلاقی، صفات نیکو را در خود نهادینه ساخته تا بتواند بر دانش آموزان تأثیر نهاده و آن ها را هدایت و راهنمایی کند. چله نشینی حضرت موسی (علیه السلام) و عبادت های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پیش از بعثت در غار حراء و کسب آمادگی برای پذیرش مسئولیت خطیر و مهم تعلیم و تربیت انسان ها که در جهلی بی سابقه فرو رفته بودند، بهترین گواه بر این مدعاست.

در نقلی آمده که حضرت عیسی (علیه السلام) در پاسخ به حواریون که سؤال کردند: با چه کسی هم نشین شویم؟ فرمود: «با کسی که دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد و سخن او بر دانش شما بیفزاید و علم او شما را نسبت آخرت متوجه و مایل سازد (کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۵: ۴۰). در آیات متعددی هم نشینی با نیکان و روی گردانی از ظالمان و گنه کاران مورد تأکید قرار گرفته است (اعراف/ ۱۹۹). مخاطب این خطاب در حقیقت همه افراد است تا عمل به این نکته اخلاقی به قرب الهی دست پیدا نمایند.

دو. اخلاص در آموزش

معلم قرآن می بایست در تمامی فرایند تعلیم خود رضای خدا را مدنظر قرار دهد و فعالیت های خود را بر اساس قبولی در درگاه احدیت و بری از هرگونه شبهه ریا و تظاهر و کسب منفعت و پاداش قرار دهد. اخلاص حقیقی وقتی شکل می گیرد که معلم اخلاص را در اندیشه و نیت و اخلاق و عمل و عبادت و تمام اعضا و جوارح خود ساری و جاری سازد و هر عملی را که انجام می دهد، به کمترین اجر در دو عالم چشم نداشته باشد و نظر او فقط رضای حق تعالی باشد و به جز او، مقصود و مطلوبی نداشته باشد. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «لا بد للعبد من خالص النية في كل حركة وسكون اذ لو لم يكن بهذا المعنى يكون غافلاً والغافلون قد وصفهم الله تعالى بقوله: ان هم الا كالانعام بل هم اضلّ وقال: اولئك هم الغافلون...» (محمّدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۷۹: ۴۷۴۸/۳)؛ «برای بنده جز این نیست که در هر حرکت و سکونی نیتش را برای خدا خالص سازد؛ زیرا اگر چنین نکند، غافل است و غافلان را خداوند تعالی این گونه توصیف فرموده: اینان مانند چهارپایان، بلکه گمراه تر هستند و نیز فرموده: اینان همان کسانی هستند که غافل اند.»



سه. خوف و خشیت الهی

معلم قرآن می‌بایست همواره ترس از کوتاهی در رسالت و انجام وظایف و مسئولیت‌های خود داشته باشد. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: قصار ۸۲)؛ هیچ‌یک از شما نهراسد، مگر از گناه خویش. در آموزه‌های اسلامی بر خدا ترسی تأکید شده است (آل عمران/ ۱۷۵)؛ و این خوف از خدا به خشیت الهی که به سبب شناختن او و درک عظمتش به وجود می‌آید، منتج می‌شود و هرچه میزان علم انسان به این موضوع بالاتر باشد، خشیت او نیز افزایش می‌یابد تا آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: از بندگان خدا تنها دانایان اند که از او می‌ترسند (فاطر/ ۲۸). از طرف دیگر هم مشاهده می‌شود که همین ترسیدن مردم از خداوند متعال است که باعث گستاخی انسان‌ها شده و سبب طغیان آن‌ها را فراهم آورده است (نساء/ ۱۰۸).

چهار. دغدغه و اهتمام لازم به انجام وظیفه

توجه و اهتمام به انجام صحیح وظایف از ویژگی‌های شاخص پیامبران و امام (علیهم السلام) بوده است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) آن‌چنان در مسیر ابلاغ رسالت خود، تلاش بی‌وقفه و مشقت‌های فراوان داشتند که خداوند خطاب به ایشان می‌فرماید: ما قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم که خود را به زحمت و مشقت بیندازی (طه/ ۱). اهتمام رسول خدا به هدایت و تبیین معارف الهی به حدی بود که قرآن صفت حریص را به ایشان اطلاق می‌نماید (توبه/ ۱۲۸)؛ و در مورد حضرت نوح و از قول این پیامبر الهی می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا» (نوح/ ۵)؛ خدایا من شبانه‌روز مردم را به سوی تو دعوت کردم. معلم قرآن نیز می‌بایست به تأسی از رفتار و سیره انبیاء و معصومین (علیهم السلام) در انجام وظایف خود دغدغه و اهتمام لازم را داشته باشد، به گونه‌ای که زمان برای او مطرح نبوده و هر وقت که لازم باشد، وظیفه خود را به جای آورد.

پنج. رفتار و گفتار نیکو

خدای متعال در قرآن کریم، اخلاق خوب و مهربانی را از رحمت‌های خود بر پیامبرش نام می‌برد و همین خوش اخلاقی را عامل جمع شدن مردم به سوی پیامبر می‌داند و می‌فرماید و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند (آل عمران/ ۱۵۹). هم‌چنین از تناسب صفت الرحمن با فعل علم القرآن در آیات ۱ و ۲ سوره مبارکه الرحمن اهمیت این موضوع بیشتر نمایان می‌شود. معلم قرآن می‌بایست، به گونه‌ای رفتار و گفتار کند که بتواند همه شاگردان را به خود جذب کند و دل‌های آنان را به دست آورد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/ ۴۴).

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره/۸۳) می فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يَقَالَ لَكُمْ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۶۵/۱۵۲)؛ «با مردم با بهترین نوعی که دوست دارید با شما سخن گفته شود، سخن بگویند.» معلم در جذب دل های شاگردان و راهنمایی کردن آنها باید پیامبرگونه عمل کند تا بتوانند آنها را به راه راست هدایت نمایند.

شاگردان به واسطه علاقه و احترامی که به معلم خود قائل هستند، بدون اختیار، تحت تأثیر خلق و رفتار قرار می گیرند. از این رو، برخورد همراه با گشاده رویی و مهربانی ضروری است تا شاگردان بتوانند به راحتی مشکلات خود را بیان نموده و راهنمایی های معلم بهره لازم را ببرند و خود نیز دارای روحیه گشاده در برخورد با اجتماع و مردمان شوند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به راستی که خدا هر خیر و صلاحی را در رفق و مدارا نهاده است.» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۳: ۳۴۵)؛ بی شک زیربنای رابطه عاطفی که میان معلم و شاگرد برقرار می شود، روحیات و خلیات معلم است نه روش تدریس او.

شش. تلاش برای ارتقای سطح علمی و عملی

از علامت های وجود علم در هر شخصی این است که فرد به جایی برسد که بفهمد چیزی نمی داند و جهانی از مجهولات او را احاطه کرده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آنکه خود سرشار از معارف والای الهی بودند، ولی باین وجود باز هم از طرف خدا مورد خطاب قرار گرفته و نسبت به درخواست افزایش و فزونی علم برای ایشان تأکید می شود (طه/۱۱۴). بدیهی است معلم قرآن نیز نباید به این گمان که به تمامی امور و مسائل تدریس آگاهی دارد، خود را از تلاش برای افزایش سطح معلومات بازدارد؛ چراکه ارزشمندی انسان تنها در پرتو معلومات نیست، بلکه معلم موفق باید خلاق بوده و پیوسته در پی راه های تازه ای برای افزودن معلومات خود باشد. یک معلم آگاه تنها خود را محدود به اندوخته ها و دانش های قبلی نمی کند، بلکه با مطالعه، ضمن اطلاع از علوم جدید، همواره اطلاعات روز را به شاگردان خود می دهد. علاوه بر این یک معلم نمونه می بایست، در این فکر باشد که روز به روز بر میزان استفاده و به کارگیری معلومات خود و عمل به آنها بیفزاید و به تعبیر دیگر در عمل او نیز علاوه بر علم او، ارتقاء حاصل شود.

هفت. حفظ شخصیت فراگیران

تربیت و آموزش مقوله ای پیچیده و ظریف است و دست یافتن به آن آگاهی های فراوانی را می طلبد. از مواردی که توجه به آن نقش تأثیرگذاری را در امر آموزش و تعلیم ایفا می کند، حفظ



شخصیت و عدم سرزنش فراگیران توسط معلم قرآن است. قرآن کریم برای منزلت و شان انسان، اهمیت بالایی را قائل است و در آیات متعددی به کرامت و فضیلت انسان نسبت به سایر مخلوقات اشاره کرده است. در روایات اسلامی نیز از سرزنش کردن دیگران به شدت نهی شده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: هر که مؤمنی را سرزنش کند، خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۵۶/۲) و در حدیث دیگری می فرماید: هر که مؤمنی را سرزنش کند، نمیرد تا آن را مرتکب شود. (همان).

یک معلم و مربی نمونه ضمن حفظ شخصیت و عزت دانش آموز، با خطای او برخورد می نماید تا وی متوجه خطا و اشتباه خود شده و درصدد جبران آن برآید؛ چراکه اگر شخصیت فرد به عنوان، بزرگترین سرمایه معنوی دانش آموز، نادیده گرفته شود و مورد تحقیر قرار گیرد، زمینه ایجاد فجایع بزرگ توسط آن فرد فراهم می شود.

در آموزه های اسلامی، تغافل و گذشت از لغزش های دیگران، جزء برترین خلقیات انسان کریم برشمرده شده است، چنانکه حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود به محمد بن حنفیه می فرماید: «من محتوای همگی معاشرت های با مردم را چنان یافته ام که دو ثلث آن حمل بر خوبی کردن و یک ثلث آن تغافل و نادیده انگاشتن است.» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۳۶۷: ۶/۳۳۰).

از دیگر مواردی که ارتباط نزدیکی با حفظ شخصیت فراگیران دارد، پرهیز از مسخره کردن است. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات/۲۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزاء کند، شاید آن قوم که مسخره می کنید، بهترین مؤمنین باشند.»

در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «هیچ مسلمانی را کوچک نشمارید؛ زیرا که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.» از این رو، لازمه برخورد صحیح و متناسب با افراد، شناخت دقیق و همه جانبه آنهاست. معلم نمونه، معلمی است که این روحیات را شناخته و متناسب با همان روحیات با شاگردان خود برخورد نماید و هرگز شاگردی را به علت برخورداری از یک خصیصه یا به علت ضعف هوشی، مورد تمسخر و عیب جویی قرار ندهد.

هشت. تواضع و فروتنی

قرآن کریم در آیات متعددی از جمله نصیحت لقمان خطاب به فرزندش، اهمیت تواضع و فروتنی را بیان کرده و می فرماید: و روی خود را از مردم (به تکبر) برمگردان، و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد (لقمان/۱۸)؛ و در جایی دیگر و در توصیف بندگان



خاص الهی می‌فرماید: آنان کسانی هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آن‌ها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند (فرقان/۶۳). رسول اکرم ﷺ در حدیثی در باب اهمیت فروتنی و تواضع می‌فرمایند: «خداوند به من وحی نمود که فروتن باشید.» (منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ۱۳۶۰: ۲۴۴). فروتنی به معنای تسلیم در برابر حق و حقیقت، احترام به دیگران، اعتراف و شناسایی مقام واقعی خود و حقوق دیگران است که همگی از ثبات روحی و آرامش روانی سرچشمه می‌گیرد.

معلم قرآن به مثابه آینه تمام نمای معارف قرآن می‌بایست، به گونه‌ای نسبت به فراگیران تواضع و فروتنی داشته باشد که شاگردان با معلم خود احساس صمیمیت و انس داشته باشند و مشکلات درسی و غیردرسی خود را به راحتی با معلم خود مطرح نموده و از این طریق هم استفاده علمی ببرند و هم درس زندگی بیاموزند.

نه. صداقت و راستگویی

صداقت و راستگویی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که نقش بسزایی در رشد و تعالی انسان دارد. پیشرفت و تعالی جامعه و افراد وقتی شکل می‌گیرد که راستی در کردار و گفتارشان نمایان باشد. به گونه‌ای که همین درستکاری و صداقت بقای هر جامعه و مکتبی را تضمین می‌کند.

سعادت و نیک بختی انسان درگرو صدق و راستی اوست و گشوده شدن دریچه‌های کمال و بهروزی به روی فرد و جامعه، تنها با استوار کردن پایه صداقت فراهم می‌شود. از این روست که خدای متعال در قرآن کریم، مؤمنان را در کنار فراخوانی به تقوا، به همراهی با صادقان و راستگویان فرمان می‌دهد (توبه/۱۱۹). امام علی علیه السلام یکی از پایه‌های اسلام را صداقت در گفتار می‌داند (مجلسی، ایمان و کفر، ۱۳۷۸: ۳۷۳/۱). صداقت و راستگویی روح و حقیقت گفتار است. معلم قرآن به تأسی از فرامین الهی می‌بایست راستی و صداقت را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده و به هیچ عنوان از آن تخطی ننماید. صداقت معلم، علاوه بر تأثیر متقابل، اعتماد را نزد فراگیران افزایش داده و این خود باعث افزایش و بهبود روند آموزش در میان آنان خواهد شد.

ده. صبر و شکیبایی

در قرآن کریم و در آیات فراوانی مفهوم صبر به معنای فضیلتی اخلاقی و غیرقابل انکار، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که بیشتر ارزش‌های معنوی همچون نماز و روزه (بقره/۴۵)، عمل صالح (هود/۱۱) و ... را در کنار صبر ذکر کرده است. حضرت موسی علیه السلام وقتی رسالت بزرگ خود را



شروع می‌کند، در ابتدا از خداوند متعال سعه صدر درخواست می‌نماید (طه/۲۵). مربی و معلم قرآن می‌بایست، در آموزش خود، صبر و حوصله داشته باشد؛ چراکه در غیر این صورت، به هدف نهایی خود نمی‌رسد. با بی‌صبری و حتی کم‌صبری نمی‌توان کار آموزش را پیش برد؛ چراکه آن در ظرف زمان مشخصی به نتیجه می‌رسد. یک معلم قرآن نمونه، باید در برابر بی‌نظمی و شیطنت‌ها و حتی دیرفهمی‌های دانش‌آموزان صبور و شکیب‌ا باشد؛ زیرا که با صبر می‌توان اتفاقات مهمی را بنا نهاد. خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر خود می‌فرماید: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (مزم/۱۰)؛ چراکه بحث تعلیم و تربیت امری نیست که به یک‌باره اتفاق بیفتد و کسی که مسئولیت این امر خطیر را به عهده گرفته است، می‌بایست ریشه‌های صبر و شکیبایی را در وجود خویش نهادینه کرده باشد.

ج. توجه به شاخصه‌های آموزشی

علاوه بر ویژگی‌های فردی و اخلاقی که یک معلم قرآن می‌بایست به آن آراسته باشد، از جهت روش‌های آموزشی و شیوه‌های تدریس قرآن نیز لازم است وی دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های مناسبی باشد تا بتواند اثربخشی مطلوب را داشته باشد. در ادامه به برخی از این شاخصه‌ها اشاره می‌گردد.

یک. فراگیری پیش‌نیازهای تدریس قرآن

یک معلم قرآن وقتی می‌تواند در امر آموزش به موفقیت دست پیدا کند که خود با قرائت قرآن و مباحث مرتبط با آن از جمله تجوید، وقف و ابتدا و صوت و لحن، آشنا باشد و قسمتی یا کل قرآن را حفظ باشد. حفظ قرآن از چنان اهمیت برخوردار است که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ فَظَنَ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ أَعْطِيَ أَفْضَلَ النَّعْمَةِ» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۳۶۴: ق/۱ حدیث ۲۳۱۷)؛ «هر کس که خداوند حفظ کتابش را به او ببخشد و گمان برد به کسی چیزی بهتر از او داده شده، با فضیلت‌ترین نعمت را کوچک شمرده است.»

از سوی دیگر معلمی که با معنای آیات آشنا باشد، در انتقال مفاهیم آن به فراگیران بسیار بهتر و مؤثرتر عمل می‌کند و دانش‌آموزان را از هرگونه اشتباه و خطا در فهم، مصون می‌دارد.

دو. تسهیل و اجتناب از تکلف

از جمله مواردی که در قرآن، مفهوم تسهیل و آسان‌سازی به کار رفته، در زمینه آموزش قرآن کریم است. که می‌توان به آیاتی مانند: آیه ۹۷ سوره مریم و ۵۸ سوره دخان اشاره کرد. در آیات و روایات فراوانی به این مطلب اشاره شده است که در امر آموزش قرآن می‌بایست آسان‌گیری و ترغیب را جایگزین اجبار و سخت‌گیری کرد.



در سوره مبارکه قمر آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر/۱۷-۲۲-۳۲-۴۰) که از تیسیر و آسان سازی قرآن سخن می گوید، ۴ بار تکرار می شود که این خود از بهترین نشانه هاست که معلم قرآن نیز می بایست در آموزش خود همین گونه عمل کند و آسان سازی و تیسیر را مدنظر خود قرار داده و همواره از آن استفاده نماید. علاوه بر این با استناد به واژگان متناظر و هم معنای تسهیل و تیسیر همچون: تخفیف، هین، وسع، عفو، رفق و آیاتی مانند: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ» (غاشیه/۲۲)؛ «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ» (ق/۴۵)؛ «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص/۸۶)؛ و نیز بررسی سیره رسول اکرم ﷺ، درمی یابیم که ایشان همواره با ابلاغ آیات قرآن، زمینه معارفه و آشنایی مردم را با قرآن فراهم می کرد تا کسانی که خواهان استماع و فراگیری هستند، به آسانی بتوانند آن را بیاموزند؛ چنان که می فرمود: «لَا أُكْرِهُ أَحَدًا مِنْكُمْ عَلَى شَيْءٍ مَنْ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالَّذِي أَدْعُوهُ إِلَيْهِ فَذَاكَ وَمَنْ كَرِهَ لَمْ أُكْرِهْهُ إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ تُحَرِّزُونِي مِمَّا يُرَادُّ بِي مِنَ الْقَتْلِ حَتَّى أُبَلِّغَ رِسَالَاتِ رَبِّي» (حلبی، سیره حلبی، بی تا: ۵/۲)؛ «من کسی را وادار به کاری نمی کنم؛ بلکه دعوت من بر اساس رضایت و علاقه مندی اشخاص است، پس اگر کسی اکراه داشت، او را مجبور نخواهم کرد، هدف من ابلاغ رسالت الهی است.» از این رو مشخص می شود، یکی از مهم ترین اصول در آموزش قرآن، پرهیز از اجبار و تحمیل آن است.

سه. پرهیز از شتاب و عجله در آموزش

از موارد دیگری که می بایست همواره مورد توجه مربیان و معلمان قرآن قرار گیرد، پیش بردن گام به گام دروس و اجتناب از شتاب و عجله در تدریس قرآن و آموزش آن به فراگیران است، چراکه در صورت عجله، کیفیت، فدای کمیت می شود. در سوره مبارکه طه می فرماید: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ» (طه/۱۱۴)؛ «در فراگیری و خواندن قرآن عجله مکن.» این آیه بیانگر این مطلب است که فراگیری هر چیزی به تناسب خود آدابی دارد (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۷/۳۹۸). در سوره قیامت نیز می فرماید: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» (قیامت/۱۶)؛ «زبان را به خاطر عجله برای خواندن آن (قرآن) حرکت مده.»

همان طور که نزول تدریجی قرآن کریم در طی ۲۳ سال برای تأثیرپذیری بر مردم بوده است، آموزش قرآن نیز می بایست با تکرار و مرور زیاد صورت گیرد و تا جایی ادامه پیدا کند که نیاز است و قلب ظرفیت دارد. تا فراگیران آهسته؛ اما پیوسته، زندگی فردی و اجتماعی خویش را با آن هماهنگ کرده و به مرحله کمال خویش رسانند.

در تاریخ اسلام آمده است کسانی که همه قرآن را آموخته بودند، چهار یا شش تن بیشتر نبودند که علی ﷺ و عبدالله بن مسعود و ابن ابی کعب و معاذ بن جبل از آن جمله بودند (پاینده، نهج الفصاحة، ۱۳۸۲: ۵۱). از این مطلب به دست می آید که عجله و شتاب در آموزش قرآن در زمان پیامبر اسلام ﷺ نیز مطرح نبوده است.



چهار. عدم تبعیض بین فراگیران

بدیهی است که فراگیران در میزان استعداد و یادگیری مراتب مختلفی داشته و ازلحاظ رفتار و خلیات از تنوع بسیاری برخوردار هستند، ولی این موضوع نمی‌بایست باعث شود تا معلم به برخی از فراگیران توجه بیشتری داشته و به گروه دیگر عنایت لازم را نداشته باشد. رعایت عدالت در توجه به فراگیران در حین آموزش قرآن از دیگر ویژگی‌های معلم قرآن است؛ به عنوان مثال، اگر یکی از شاگردان از قرائت بهتری نسبت به بقیه برخوردار بود، نباید به گونه‌ای رفتار شود که در بقیه فراگیران احساس سرخوردگی و بی‌رغبتی به وجود آید و می‌بایست به نحوی عمل شود که در فراگیران شوق و شور و انگیزه آموختن ایجاد شود. در آموزه‌های اسلامی تأکید شده است که «الْإِنْسَانُ سَوَاءٌ كَأَنَّكَ الْفُسْطُ»؛ «مردم با یکدیگر برابرند، همچون دندان‌های شانه (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۱: ۲۷۱). هم‌چنین در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْسِمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ، فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۵: ۲/۶۷۱)؛ «یعنی پیامبر نگاه کردن خود را نیز میان اصحاب تقسیم می‌کرد و به این‌وآن، برابر می‌نگریست.»

پنج. بهره‌گیری از روش‌های بدیع و خلاقانه

آموزش قرآن کریم مانند هر رشته دیگری، نیازمند تحول و بازنگری در شیوه‌های تدریس و آموزش است. به کارگیری روش‌های متنوع آموزشی در فرایند آموزش قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه در امر آموزش قرآن، بیشتر از روش خطابه و یک‌طرفه استفاده می‌شود که از روش‌های بسیار معمول مورد استفاده معلمان در سراسر جهان است. در این روش، فعالیت اصلی کلاس درس را معلم خود، بر عهده می‌گیرد و از راه‌های مختلف ارائه و نمایش دادن مطالب، به آموزش موضوع‌های گوناگون می‌پردازد.

با دقت در آموزه‌های دینی متوجه می‌شویم که روش‌های غیرمستقیم شامل روش‌های مشاهده‌ای، روش ایفای نقش، روش تقلید الگو، روش اکتشافی، روش مقایسه‌ای، روش تمثیل، روش قصه‌گویی و استفاده از وسایل کمک آموزشی (رک: چینی فروش، تدریس و مدیریت کلاس درس با رویکرد قرآنی، ۱۳۹۳: ۷۶)، در موارد زیادی، اثر بیشتری در متعلم می‌گذارد؛ یعنی گاهی متعلم در مقابل آموزش مستقیم به‌ویژه در مسائل اخلاقی و ارزشی و مذهبی ممکن است، موضع‌گیری نماید و خیلی توجه نکند؛ اما آموزش غیرمستقیم را پذیراست. در سیره پیامبر ﷺ تفهیم حقایق عالی الهی به صورت غیرمستقیم نمونه‌های فراوانی دارد. نحوه برخورد پیامبر اسلام ﷺ با صحابه خود به نام ابومسعود انصاری که غلام خود را کتک می‌زد، خود نمونه‌ای از آموزش غیرمستقیم توسط ایشان است. پیامبر به

ابو مسعود فرمود: بدان ابا مسعود، خداوند تو را بر او توانایی داده است (او را بنده تو ساخته)، این سخن پیامبر ﷺ ابو مسعود را سخت تحت تأثیر قرار داد و آن بنده را در راه خدا آزاد کرد (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۲/۷۴، ح ۱۲).

نوع بیان در آموزش‌ها باید به گونه‌ای باشد که در قلب مخاطب فروشنیند. پیامبر اکرم ﷺ نیز به صورت غیرمستقیم و کنایی مطلب را برای ابو مسعود تبیین کرد و این آموزش چنان در او اثر گذاشت که آن بنده را در راه خدا آزاد کرد. در سیره پیامبر آمده: هرگاه فردی در نزد پیامبر ﷺ دروغ می‌گفت، ایشان تبسم می‌نمود و می‌فرمود: حرفی است که او می‌گوید (طباطبائی، سنن النبی، ۱۴۱۹ ق: ۱۳۰)؛ یعنی پیامبر ﷺ به صورت غیرمستقیم، زشتی دروغ را بیان می‌کند و نشان می‌داد که آن سخن نزد حضرت ﷺ جایگاهی ندارد.

سخن گفتن پیامبر اسلام ﷺ با اجساد کفار که پس از پایان جنگ بدر در چاهی افکنده شده بودند و تعجب برخی از همراهان ایشان از این موضوع، خود مثالی از استفاده از آموزش غیرمستقیم به اطرافیان است. پیامبر ﷺ در خطاب به اجساد بی جان کافران فرمودند: آیا وعده مرا حق یافتید؟ من که وعده خدا به حق یافتم. و سپس در پاسخ به اطرافیان خود فرمودند: آنان سخنان مرا می‌شنوند، ولی توانایی پاسخگویی را ندارند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸/۲۳۳).

استفاده از تمثیل از مواردی است که می‌تواند در فرایند یادگیری و تنوع و نشاط در آن و همچنین تسهیل آموزش به مخاطب نقش مؤثری را ایفا نماید. در قرآن کریم و روایات، استفاده از تمثیل در مناسبت‌های گوناگون برای رساندن پیام الهی و یاد دادن حقایق معنوی کاربرد فراوانی دارد. در روایات آمده است: رسول خدا ﷺ برای این که از روش تمثیل به یاران خود اهمیت توجه به گناهان کوچک را گوشزد نماید، به آنان دستور فرمودند که در بیابانی بی آب و علف، به جمع‌آوری هیزم بپردازند. اصحاب در ابتدا تعجب کردند و گفتند: چگونه در این مکان خشک و لم‌یزرع هیزم جمع کنیم؟ پیامبر ﷺ به آنان فرمود: بروید و هرچقدر که می‌توانید، جمع کنید. هرکدام مقداری چوب خشک و هیزم جمع کردند و همه را روی هم انباشتند. در این هنگام پیامبر ﷺ فرمودند: گناهان کوچک نیز این گونه جمع و زیاد می‌شوند. سپس فرمود: «بترسید از گناهان کوچک که هر چیزی طالبی دارد و طالب آن‌ها آنچه را از پیش فرستادند و آنچه را از آثار باقی گذاشته‌اند، می‌نویسد و همه چیز را در کتاب مبین ثبت کرده است» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۵: ۳/۳۹۴).

این حدیث، ترسیمی است از روش تمثیل؛ یعنی پیامبر ﷺ با رفتار خود حقیقتی را به صورت عینی و محسوس به آنان نشان داد تا همه بدانند گناه گرچه کم و کوچک باشد، ولی در اثر تکرار، زیاد و بزرگ می‌شود.



در آیات فراوانی استفاده از تشبیه (ابراهیم/ ۱۸- ۲۴- ۲۶؛ لقمان/ ۱۶)، استمرار آموزش و تأکید رهنمودها (قصص/ ۵۱)، تنوع بیان و ارائه مطالب به شیوه‌های متفاوت و مختلف (انعام/ ۶۵- ۱۰۵)، طرح سؤال و ارائه پاسخ (انعام/ ۶۳- ۶۴؛ ابراهیم/ ۱۰)، استفاده از وسایل کمک آموزشی به چشم می‌خورد که خود نیازمند پژوهشی مستقل در این زمینه است.

شش. آموزش به میزان فهم فراگیران

توجه به تفاوت‌های فردی در امر تدریس از مهم‌ترین مسائل موردتوجه دانشمندان تعلیم و تربیت است. بدیهی است که فراگیران از لحاظ هوش و استعداد تحصیلی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و عدم توجه به این تفاوت‌ها در امر تدریس و یادگیری باعث بروز آسیب‌های در نحوه تدریس و هم‌چنین فراگیران خواهد شد. در آموزش قرآن نیز توجه به این موضوع بسیار مهم است و معلم قرآن نیز می‌بایست ضمن شناسایی استعداد و ظرفیت متعلم، به مقدار ظرفیت و توانایی هر فراگیری مطالب را ارائه نماید و چه زیبا پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۳/۱) (به‌عنوان مثال یک معلم قرآن نمی‌بایست برای فراگیران تازه‌وارد، مباحث پیشرفته تجویدی را مطرح کند؛ چراکه آن‌ها نه توانایی فهم آن مسائل را دارند و نه نیازمند به آن هستند).

نتیجه

۱- موضوع مقام و جایگاه معلم قرآن در آموزه‌های دینی از شأنیت بالایی برخوردار است که این خود نشان‌دهنده اهمیت تعلیم قرآن و جایگاه رفیع معلم آن است. بر اساس آیات ابتدایی سوره مبارکه الرحمن، خداوند از خود، به‌عنوان «معلم قرآن» یاد می‌کند. بر اساس مفاد برخی روایات نیز، معلمی قرآن، رسالتی همیشگی، و معلمان قرآن، بهترین افراد خلق، مقربان الهی، دربردارنده نور الهی و مورد استغفار ماهیان دریا هستند.

۲- آیات و روایات، سرچشمه اخذ معارف الهی است. ازاین‌رو، با دقت در آن‌ها می‌توان جهت رفع آسیب‌ها و بهبود و ارتقای معارف دینی و اسلامی بهره‌های فراوان برد.

۳- مهم‌ترین راهکارهای ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن، عبارت است از توجه به ویژگی‌های ساختاری و مدیریتی، توجه به ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های آموزشی معلم قرآن.

۴- در بخش ویژگی‌های ساختاری و مدیریتی می‌بایست مواردی از قبیل گزینش و ارزیابی صحیح، عوامل انگیزشی درونی و بیرونی، معاش و نیازهای مادی معلمان قرآن موردتوجه قرار گیرد.



۵ - در بخش ویژگی‌های فردی معلم می‌بایست مواردی از قبیل عمل به قرآن و الگو بودن برای متعلمین، اخلاص، خداترسی، دغدغه داشتن، رأفت و مهربانی نسبت به متعلم، غافل نشدن معلم از تربیت خود و تکاپو و تلاش برای رشد خود، عشق و علاقه به پیشرفت شاگردان، اخلاق نیکو، حفظ شخصیت دانش‌آموزان، تواضع و فروتنی، صداقت و راستگویی و صبر و شکیبایی مورد توجه قرار گیرد و در بخش ویژگی‌های آموزشی معلمان قرآن، مواردی از قبیل آشنایی با اصول و پیش‌نیازهای تدریس قرآن (قرائت، حفظ، مفاهیم و تفسیر)، آسان‌گیری و پرهیز از اجبار و تکلف، عدم شتاب و عجله در تدریس، توجه یکسان به فراگیران، استفاده از شیوه‌های نوین و خلاقانه و تدریس به اندازه میزان فهم فراگیر می‌بایست مدنظر قرار گیرد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول ترجمه: بهراد جعفری، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۸۱.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: محمدجواد غفاری، صدوق، تهران: ۱۳۶۷.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات حضرت قصار رسول ﷺ)، دنیای دانش، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه، گروه تحقیق: حجة الاسلام عباس رحیمیان محقق، انتشارات اسراء، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۶. —، قرآن در قرآن، گروه تحقیق: حجت الاسلام محمد محرابی، انتشارات اسراء، قم: چاپ دوازدهم، ۱۳۹۳.
۷. چینی فروش، غلامرضا، تدریس و مدیریت کلاس درس با رویکرد قرآنی، ستاره سبز، مرکز نشر و طبع قرآن کریم، تهران: ۱۳۹۳.
۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: ۱۴۰۹ ق.
۹. حلبی، ابن برهان، سیره حلبی، لبنان، انتشارات دارالمعرفه، بیروت: بی تا.
۱۰. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۲.
۱۱. ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی محمدی، موسسه نشر ویرایش، تهران: ۱۳۷۶.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، انتشارات مشهور، قم: ۱۳۷۹ ش.
۱۳. شهیدی پور، محمدرضا، رضوی، باقر ایلیا، تحلیل روش های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل البيت ﷺ، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۴. طباطبائی، محمدحسین، سنن النبی، تحقیق محمدهادی الفقهی، موسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۹ ق.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران: چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران: چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷.
۱۸. کوکبی طاهر، سمیه، پارچه باف، کریم، دولتی نقش آموزش و فهم آیات بر انس با قرآن، دوره ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۱۹. لسانی فشارکی، محمدعلی، رجبی، محسن، «راهبردهای آموزش قرآن در سیره نبوی و مقایسه آن با شیوه‌های نوین آموزشی صحیفه مبین»، شماره ۴۲، (بهار و تابستان ۱۳۸۷).
۲۰. متقی هندی، ابن حسام الدین، کنز العمال، دائرة المعارف العثمانية، عاصمة حيدر آباد: ۱۳۶۴ ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، لبنان، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۲۲. —، ایمان و کفر (ترجمه کتاب ایمان و کفر بحار الانوار)، عطاردی قوچانی، عزیزالله، انتشارات عطارد، تهران: ۱۳۷۸.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (ترجمه فارسی)، ترجمه: حمید رضا شیخی، انتشارات دارالحديث، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۲۴. مرتضی عاملی، سید جعفر، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، نشر شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۴.
۲۵. معارف، مجید، «گزارشی از آموزش قرآن در سیره پیامبر»، مجله: پژوهش دینی، شماره ۳، (زمستان ۱۳۸۰).
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۲۷. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم، مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران: ۱۳۶۰.
۲۸. نوری، میرزا حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: ۱۴۰۸ ق.



References

1. The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi, Naser, Dar al-Quran al-Karim, Qom: Second Edition, 1994.
2. Ibn Shu'bah, Hassan bin Ali, The Masterpieces of The Mind, Translated by Behzaz Ja'fari, The Islamic Books Publications, Tehran, 2002.
3. Ibn Shuba, Hassan Ibn Ali, Tuhaf al-Uqul , Translated by: Behrad Jafari, Dar al-Kitab al-Islamiyya, Tehran: 2002
4. Ibn Babwaih (Saduq), Muhammad bin Ali, Man La Yahduruhu al-Faqih, Translated by Muhammad Jawad Ghaffari, Saduq, Tehran, 1988.
5. Payendeh, Abu al-Qasim, Nahj-al feṣāḥa (A collection of short words of the Prophet), World of Sceince, Tehran, Tehran, 4th Edition, 2003.
6. Javadi Amoli, Abdullah, The Origin of Thought, Research Group: Abbas Rahimian Mohaghegh, Esraa Publications, Qom: Second Edition, 2007.
7. , Qur'an in Qur'an , Research Group: Hujjat al-Islam Muhammad Mehrabi, Esra Publications, Qom: 12th Edition, 2014.
8. Chinifrosh, Ghulamreza, Teaching and Managing the Classroom with Qur'an ic Approach, Green Star, Holy Qur'an Publishing and Printing Center, Tehran:2014.
9. Hur Amili, Wasa'il al-Shia. Alul Bait Foundation for Reviving the Islamic Heritage, Qom, 1409 AH.
10. Halabi, Ibn Burhan, The Seerah and Conduct, Lebanon, Dar Al-Marifah Publications, Beirut: N.D.
11. Ramyar, Mahmood, History of Qur'an, Amir Kabeer Publications, Tehran, 1362 A.S.
12. Rio, John Marshall, Motivation and Excitement, Translated by Yahya Muhammadi, Werayesh Publishing Institute, Tehran: 1977.
13. Sharif Razi, Muhammad Ibn Hussein, Nahj al-Balagha, Translated by Dashti, Muhammad, Mashhoor Publications, Qom: 2000.
14. Shahidipour, Muhammad Reza, Razavi, Baqer Ilya, Analysis of Quran teaching methods with emphasis on the life of the Prophet (PBUH) and Ahl al-Bayt (AS), Quran recitation studies, Volume 7, Number 13, Fall and Winter 2019/2020.
15. Tabatabai, Muhammad Hussein, Sunan An-Nabi:, Researched by Muhammad Hadi al-Fiqhi, Islamic Publishing Institute, Qom:1419 AH.
16. Qaraati, Muhsin, Exegesis of Noor, Cultural Center of Lessons from the Qur'an , Tehran: 11th Edition, 2004.

17. Kulaini, Muhammad Ibn Yaqub, Kitab al-Kafi [Usul-e-Kafi], Translated by Seyyed Javad Mostafavi, Islamic Scientific Bookstore, Tehran: 3rd Edition, 1990..
18. Kulaini, Muhammad Ibn Yaqub, Sufficient Principles [Usul e Kafi], (Ali Akbar Ghaffari), The Islamic Books Publications, Tehran: 3rd Edition, 1407 AH.
19. Kokbi Taher, Somayeh, Parchehbaf, Karim, Dolati The role of teaching and understanding verses with the Quran, Volume 6, Number 77, Autumn and Winter 2018/2019.
20. Lisani Fesharaki, Muhammad Ali, Rajabi, Muhsin, "Strategies for Teaching the Qur'an in the Prophetic Conduct and Comparing it with Modern Teaching Methods of Sahifa Mobin", No. 42, (Spring and Summer 2008/2009).
21. Muttaqi Hindi, Ibn Husam al-Din, Kanz al-Ummal, The Ottomian Encyclopedia, the Capital of Hyderabad: 1364 AH.
22. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar, Lebanon, Al-Wafa Institute, Beirut: 1404 AH.
23. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, Belief and Disbelief (Translation Belief and Disbelief from Bihar al-Anwar), Adarodi Quchani, Azizullah, Mercury Publications, Tehran:1999/2000.
24. Muhammadi Rey Shahri, Muhammad, Mizan-al-Hikmah (Persian Translation), Translated by Hamid Reza Sheikhi, Dar al-Hadith Publications, Qom: 2nd Edition,2000/2001
25. Murtaza Amili, Seyyed Ja'far, New Research on the Holy Qur'an, Publication of the Islamic Preaching Coordination Council, Tehran:1995/1996.
26. Maa'ref, Majid, "A Report on the Teaching of the Qur'an in the Conduct of the Prophet", Journal: Religious Research, No. 3, (Winter 2001/2002).
27. Makarem Shirazi, Nasir, The Ideal Exegesis of Qur'an, The Islamic Books Publications, Tehran:1995/1996.
28. Attributed to Ja'far ibn Muhammad (Peace Be Upon Him), The Sixth Imam - Mustafawi, Hassan, Mesbah al-Shari'a [Lamp of Sharia] / Translated by Mustafawi, Islamic Association of Wisdom and Philosophy of Iran, Tehran: 1981/1982.
29. Nouri, Hussein bin Muhammad Taqi, Sources of al-Wasa'il. (Alul-Bayt Foundation for the Revival of Islamic Heritage). Al-Bayt Foundation (Peace Be Upon Them) for the Revival of Islamic Heritage, 1408 AH.